طبیعت گرایی در مجموعه های مسکونی با بهره گیری از قانون مندی های مسکن سنتی (نمونه موردی شهرگرگان)

علیرضا رضایی[1*]، سید باقر حسینی[2]،
[1] **دانشجوی کارشناس ارشد معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحدشاهرود ،**
[2] **دانشیار گروه معماری، دانشکده معماری و شهر سازی علم وصنعت تهران**

چکیده

هر روز که می گذرد ساخت وساز های بی رویه باعث از بین بردن طبیعت میشود وعدم احترام به طبیعت لطمه جبران ناپذیری است که به محیط زیست ومحیط زندگی انسان می زند.. سکونت بیانگر برقراری پیوندی پرمعنا بین انسان و محیطی مفروض می‌باشد. نقش سکونت خصوصی بنای مسکونی یا خانه است که تحت عنوان پناهگاه یا مکانی که خاطرات تشکیل دهنده جهان آدمی را درخود گردآورده و به نمایش می گذارد مشخص می گردد. بنابراین مساله این است چگونه میتوان مجموعه های طراحی نمود که دوستدار طبیعت بوده و به طبیعت لطمه نزند وتعاملات اجتماعی زندگی کنندگان در آنها ارتقاء یابد؟
نتایج تحقیق با اتکاء به روش تحقیق این پایان نامه توصیفی پیمایشی، پرسشنامه , مصاحبه , ومشاهده خواهد بود تکنیک مطالعات کتابخانه ای و همچنین مصاحبه با متخصصان حوزه معمارای نشان دهنده این مطلب بود که در صورت احداث مجموعه های مسکونی با بهره گیری از قانون مندی های مسکن سنتی سبب ارتقاء تعاملات اجتماعی ومحیط زیست سالم می شود.

واژه های کلیدی : طبیعت گرایی ، مجموعه های مسکونی ، محیط زیست ، خودبسندگی، گرگان

مقدمه

واژه سکونت مکان‌هایی که از سوی آدمی برای عینیت بخشیدن به مفاهیم فوق برپا گشته را نیز در شمول می‌گیرد .آبادی همراه با فضای شهری خود همواره صحنه ای بوده که سکونت مجتمع در آن به ایفای نقش پرداخته نهاد یا بنای عمومی سکونت عمومی را تجسم پوشیده خانه با خلوتکده خصوصی یعنی مکانی که فرد در آن به مقصود نهایی نایل گردیده هم عنان بوده است.آبادی ،نهادی و خانه در معیت یکدیگر (محیط کل) را بوجود می آورند. این محیط همواره به آنچه بر طبیعت ارزانی گشته است، یعنی به چشم اندازی که علاوه بر دارا بودن کیفیتهای عمومی، ویژگی های اختصاصی خود را نیز داراست، وابسته می باشد. بدین ترتیب سکونت به مفهومی دال بر برقراری صمیمیت با مکانی طبیعی نیز دست می یابد. امروز ما عموماً سکونت را داشتن سقفی در بالای سر و چند متر مربعی زمین در زیر پا تبدیل می‌نماییم. به عبارت دیگر، برداشتی صرفاً مادی و کمی از آن ارائه می‌دهیم. وساس به این برداشت مفهومی وجودی و کیفی می‌بخشد. سکونت بیانگر برقراری پیوندی پرمعنا بین انسان و محیطی مفروض می‌باشددر متن عمیق و شاعرانه ارک اثر سن اگزوپری می خوانیم : « منم سازنده شهرها ، آنکه کاروان را از رفتن بازداشته کاروان تنها دانه ای بود سرگردان در مسیر باد . من راه باد را سد کرده و آن دانه را در دل خاک می گذارم تا درختان سرو به افتخار یزدان پاک از ان بروینند .

ضرورت پژوهش

شهرهای شمالی کشور بخصوص گرگان جایگاه ویژه ای از لحاظ اب و هوایی منطقه ای و همچنین جذب گردشگران، را دارد. به دلیل داشتن شرایط مناسب آب و هوایی مناسب با راه اندازی مجموعه های مسکونی با بهره گیری از قانون مندی های مسکن سنتی این شیوه طراحی کردن را رونق می یابد.

اهداف تحقیق

الف: انواع اهداف ملی

۱.طبیعت گرایی وارتقا دهنده تعاملات اجتماعی

۲. ارتقاء کیفیت محیط طبیعی زندگی و ارتقاء تعاملات اجتماعی با تأکید بر اصول طراحی برگرفته از معماری سنتی گذشته ایرانی.

معرفی

استان گلستان

استان گُلِستان از استان‌های شمالی ایران است. مرکز این استان گرگان است. گرگان (که به یونانی هیرکانیا گفته می‌شود) یکی از شهرهای مهم ایران در طول تاریخ بوده است. این استان با مساحت ۲۰۴۳۷/۷ کیلومترمربع ۱/۳ درصد مساحت کل کشور را تشکیل می‌دهد. این استان بین ´۲۵ ۰ ۳۶ تا ´۸ ۰ ۳۸ عرض شمالی و ´۵۰ ۰ ۵۳ تا ´۱۱ ۰ ۵۶ طول شرقی از نصف النهار گرینویچ واقع شده است. از شمال به کشور ترکمنستان، از جنوب به استان سمنان، از غرب به دریای خزر و استان مازندران لاو از شرق به استان خراسان محدود است. براساس آخرین تقسیمات کشوری در اسفندماه سال ۱۳۸۷ این استان شامل ۱۳ شهرستان به نامهای آق‌قلا، گرگان، گنبدکاووس، ترکمن، گمیشان، رامیان، آزادشهر، کردکوی، بندرگز، علی‌آباد کتول، کلاله، جمعیت استان در سال ۱۳۸۳ حدود ۱.۶۵۰.۰۰۰ نفر بوده است. جمعیت شهری و روستایی استان گلستان براساس آخرین برآوردها و سرشماری انجام شده عبارت از ۷۳۲۶۹۹ نفر شهری و ۸۹۴۵۳۹ نفر روستایی است. در استان، تنها دو شهر گرگان و گنبد دارای جمعیتی بیش از صد هزار نفر می‌باشند. فارسی زبان‌ها در مرکز استان سکونت دارند، مازندرانی‌ها در روستاهای نیمه غربی استان و ترکمن زبانان در بخش شرقی، مرکزی و شمالی استان و همچنین به تعداد کم در مرکز استان سکونت

دارند. فارس‌ها و سیستانی‌ها ۵۵/۶ درصد تا ۶۳ درصد از جمعیت استان گلستان را تشکیل می‌دهند. اقوام دیگر ساکن در استان گلستان به ترتیب عبارتند از: ترکمن‌ها (۳۳/۱ درصد تا ۳۵ درصد)، کرد (۵ درصد)، بلوچ (۴/۳ درصد)، قزاق (۲ درصد). ۱۵/۴ درصد تا ۱۸ درصد از فارس‌های استان سیستانی تبارند .(کسمایی؛۱۳۶۳)

۶۱ درصد از جمعیت استان را اهل تشیع و ۳۹ درصد از آنان را اهل تسنن تشکیل می دهند. مسیحیان، بهاییان، و صوفیان گنابادی از اقلیت‌های کوچک مذهبی استان هستند. اهل تشیع را گروه‌های فارس، ترک و ... و اهل تسنن را نیز گروه‌های ترکمن و بلوچ تشکیل می‌دهند. فارس‌های استان شیعه مذهب می‌باشند و در نواحی مرکزی و جنوبی منطقه سکنی دارند و به دو گروه فارس‌های بومی و مهاجر تقسیم می‌شوند. فارس‌های بومی استان بیشتر به گویش‌های گرگانی، کتولی و مازندرانی تکلم دارند. فارس‌های مهاجر هب استان بیشتر سیستانی، سمنانی و خراسانی هستند. دیگر قوم‌های ساکن استان عبارتند از: ترکمن (دو تیره یموت و گوکلان)، ترک، بلوچ، کرد و قزاق، ترکمن‌ها سنی مذهب هستند و در نواحی شمالی منطقه در جلگه گرگان سکونت دارند و به زبانی ترکمنی تکلم می‌کنند.

ظرفیت های شهرستان

گرگان شهری در شمال شرق ایران و مرکز استان گلستان است. آب و هوای این شهر معتدل و در تابستان ها نسباتا گرم و شرجی است. شرایط اقلیمی منطقه بسیار گسترده و جذاب است. این منطقه شامل کوه، جنگل، چمنزار، جلگه، دشت، بیابان، شوره زار، دریا، خلیج، رودخانه، تالاب و زمین های کشاورزی میباشد.

گرگان جمعیتی بالغ بر ۲۸۰۰۰۰ نفر دارد و از این حیث پر جمعیت ترین شهر گرگان است. گرگان از نظر نژاد مردم ساکن در آن بسیار متنوع است. با این که اثر مردم گرگان فارس زبان هستند اما فارس‌های گرگانی، و نیز سبزواریها، کاشمریها، شاهرودیها، مازندرانیها، بسطامیها و بیارجمندیها، قزاقها، سادات، بلوچها، زابلیها و ترکمنها از نیز مردمان ساکن این شهر هستند.(شهاب اصغرزاده،۱۳۸۸)

فضای شهری

سخن کان را به خاطر آریم که می گوید:شهر، مکانی است که پسر بچه ای خردسال هنگام گام برداشتن در آن به احتمال زیاد چیزی را خواهد دید که با وی از آنچه خواستار انجام دادنش در تمام دوره ی زندگی خود می باشد ، سخن می گوید. پس شهر مکانی است که در آن دیدار صورت می‌پذیرد. اینجا آدمیان برای انکشاف جهان دیگران گرد هم می‌آیند. اینجا هستم آیینه‌ای تبدیل می‌شود که هر آنچه هست را در خود گرفته و پس از بازتاب عرضه می‌دارد. در شهر تمامی چیزها یکدیگر را آینه وار نمایانیده و از تداخل بازتابهایشان تصاویری گوناگون حادث می‌گردد که می‌توان هستی خود را حول آن‌ها بنا نمود. پس دیدار و گزینش را می‌باید ابعاد وجودی شهر به شمار آورد.

در واقع شهر است که افشای زندگی را ممکن می‌دارد زندگی همواره (به صورت چیزی) وقوع یافته و ما همواره (به عنوان کسی) یا به عبارتی بر مبنای گزینش (چیزی) در آن شرکت می جوییم . بدین ترتیب سکونت مجتمع ، گرد هم آمدن مطلق نبوده ، بلکه عبارت است از هستی در جهان ، در جایی و با عنوان کسی . این ((جایی)) یعنی مکان است که زندگی را مرئی می دارد . مکان با مفهوم سابقه و یا تصویری ماندگار و در عین حال بیانگر و دعوت کننده، به تثبیت زندگی و نگهداری از آن می پردازد.

بنابراین هستی ما به مکان موکول گردیده و هنگامی که به گزینش از بین تصاویری که عرضه داشته می پردازیم بر هویت خود نائل آمده.(مزینی،۱۳۷۴)

سکونت گاه

واژه سکونت مکان‌هایی که از سوی آدمی برای عینیت بخشیدن به مفاهیم فوق برپا گشته را نیز در شمول می‌گیرد .آبادی همراه با فضای شهری خود همواره صحنه ای بوده که سکونت مجتمع در آن به ایفای نقش پرداخته نهاد یا بنای عمومی سکونت عمومی را تجسم پوشیده خانه با خلوتکده خصوصی یعنی مکانی که فرد در آن به مقصود نهایی نایل گردیده هم عنان

بوده است.آبادی ،نهادی و خانه در معیت یکدیگر (محیط کل) را بوجود می آورند. این محیط همواره به آنچه بر طبیعت ارزانی گشته است، یعنی به چشم اندازی که علاوه بر دارا بودن کیفیتهای عمومی، ویژگی های اختصاصی خود را نیز داراست، وابسته می باشد. بدین ترتیب سکونت به مفهومی دال بر برقراری صمیمیت با مکانی طبیعی نیز دست می یابد. (c. terrasse،۱۹۴۶)

تعریف مجموعه مسکونی

قرار گرفتن چند خانه در کنار هم که سکونت گاه انسان در کنار هم می باشد را را مجموعه مسکونی می نامیم.

تعریف خانه

خانه نقطه ای است ثابت که شکل محیطی مفروض را به معرض «مکان مسکون» تغییر می دهد. خانه مفاهیم گزیده ای را گرد می آورد که مقصود ویتگنشتین از گفته «من جهان خویشتنم» را برآورده می سازند. با مساعدت گرفتن از خانه، دوستان جهان شده و جای پایی را که برای فعالیت در آن نیاز داریم برای خود فراهم می آوریم. خانه با مطرح شدن به عنوان پیکره ای معمارانه در محیط، هویت ما را محرز کرده و امنیت را بر ما ارزانی می دارد. و سرانجام، هنگام پای نهادن به خانه به «آسایش» دست می یابیم. .(یار احمدی،۱۳۸۱)

خانه درحال حاضر

جنبش مدرن آفرینش «مسکن نوین» را در دستور کار خود قرار داد. گیدئون در سال ۱۹۲۹میلادی نوشت: «توسعه اخیر در امر ساختمان بی تردید حول قضیه مسکن و به خصوص مسکن برای عموم آدمیان متمرکز بوده است ... نه بنای عمومی از اهمیتی این چنین برخوردار بوده و نه کارخانه. این بدان معناست که بار دیگر در مورد سرنوشت بشریت به نگرانی دچار آمده ایم.» کمی پیش از آن یعنی در سال ۱۹۵۲، هنگام برپایی نمایشگاه بین المللی هنرهای تزئینی در پاریس، لکوربوزیه نمونه اولیه آپارتمانی را به معرض تماشا می گذارد که خود آن را «غرفه روحیه نوین» می نامید. بدین ترتیب، روحیه عصر مدرن مه از طریق نمادی یادواره ای بلکه به وسیله سکونت گاهی برای انسان عادی تشریح گردیده بود. می توان این سخنان لکوربوزیه را نیز به خاطر آورد که می گوید : «اسکان نادرست انسان را باید علت واقعی و ریشه ای نا آرامی های اجتماعی معاصر دانست.» پیش از این اشاره ای داشتیم به تلاش پیشتازانه فرانک لوید رایت برای حل مشکل مسکن نوین. اکنون باید بیفزاییم که آثار وی پس از انتشار در آلمان، یعنی متعاقب سال ۱۹۱۰، به منبع اصلی الهام معماران اروپایی بدل گردیدند. بنابراین، در دو دهه ۱۹۳۰و ۱۹۴۰، خانه ها و واحدهای آپارتمانی مدرن توسعه یافته و اثراتی چشمگیر و انکارناپذیر در بهبود شرایط زندگی آدمی برجای نهادند.(martin haidegger,۱۹۲۷)

خودبسندگی

معماران ایرانی تلاش می کردند ساختمایه مورد نیاز خود را از نزدیک ترین جاها بدست آورند و چنان ساختمان می کردند که نیاز به ساختمایه جاهای دیگر نباشد و " خودبسنده" باشند. بدین گونه کار ساختمان با شتاب بیشتری انجام می شده و ساختمان با طبیعت پیرامون خود" سازوارتر " در می آمده است و هنگام نو سازی آن نیز همیشه ساختمایه آن در دسترس بوده است. معماران ایرانی بر این باور بودند که ساختمایه باید" بوم آورد" یا " ایدری " (اینجایی) باشد. به گفته دیگر فرآورده (محصول) همان جایی باشد که ساختمان ساخته می شود و تا آنجا که شدنی است از امکانات محلی بهره گیری شود. معماران ایرانی تا آنجا که می شد تلاش داشتند ساختمایه مرغوب بکار برند و با بهترین گونه خاک ، گچ، آهک و سنگ کار می کردند. اگر فرآوردن و ساختن آن از همانجا شدنی نبود، از جای دور تر بهره می گرفتند. برای نمونه چون خاک پیرامون شیراز، "ریگ بوم " بود، بکار آجر ساختن نمی خورد، پس خاک رس بهتر را از لار یا از خان خور(آبادی میان راه اصفهان) بدست می آوردند. یا در کنار کویر، چون خاک شوره دار بود، آجر خوبی بدست نمی آمد. پس هنگام کار این آجرها را میان چند رج خشت می چیدند و برای از میان بردن شوره آنها، دوغابی بنام " فرش آهک " بکار می بردند که با ماسه نرم درست می شد.

نمونه ی دیگر از خودبسندگی و بهره گیری از امکانات موجود،در ساخت میانسرای(حیاط) گود یا "باغچال"یا گودال باغچه در خانه ها بود.برای گودکردن ساختمان و دسترسی به آب،ناگزیر باید خاکبرداری فراوانی می شد.در تهران،آب روگذر بود و از آن برای پرکردن آب انبارها بهره می بردند.در کاشان،زواره و نایین آب زیرگذر بود،برای همین میانسرا را چنان گود می ساختند که تنه ی درختان باغچه در گودی پنهان می شد.معماران خاک برداشته شده را دوباره در همان ساختمان به کار می بردند.گود شدن ساختمان به ایستایی تاق ها نیز کمک می کرد.چون زمین،پشت بند در برابر رانش بود.

درونگرایی

اصولاً در ساماندهی اندام های گوناگون ساختمان به ویژه خانه های سنتی، باورهای مردم، بسیار کارساز بوده است. یکی از باورهای مردم ایران ارزش نهادن به زندگی شخصی و حُرمت آن و نیز عزت نفس ایرانیان بوده که این امر به گونه ای معماری ایران را درون گرا ساخته است

معماران ایرانی با ساماندهی اندامهای ساختمان در گرداگرد یک یا چند میانسرا، ساختمان را ازجهان بیرون جدا می کردند و تنها یک هشتی این دو را به هم پیوند می‌داد. خانه های درونگرا در اقلیم گرم و خشک، همچون بهشتی در دل کویر هستند، فضای درونگرا مانند آغوش گرم بسته است واز هر سو رو به درون دارد.

سر در این خانه ها دارای دو سکو بود و درها دارای دو کوبه‌ی جدا ویژه‌ی مردان و زنان. دو دالان یکی از بخش بیرونی و دیگری از بخش اندرونی خانه به هشتی راه داشتند. اندرونی‌جایگاه زندگی خانواده بوده و بیگانگان بدان راه نداشتند. بیرونی، ویژه‌ی مهمانان و بیگانگان بود که جداگانه پذیرایی می شدند و گاهی مهمانان در بالاخانه (اتاق روی هشتی) که به اندرونی نزدیک بود پذیرایی می شدند.

بخش بیرونی، آذین‌های بیشتری نسبت به اندرونی داشت. معماران حتی در ساختمان‌های برونگرا مانند کوشک میان باغ ها، نیز درونگرایی را پاس می داشتند.(پیرنیا،۱۳۸۴)

موضع شناسی

گونه‌ای از فضا که درخواست برای تراکم را پاسخ گوید فضای شهری خانه و خیابان و میدان را به عنوان تجلیات اصلی آن منظور داشته. فضاهای شهری ناگزیر از در اختیار گرفتن خصوصیات ویژه می‌باشند. در وهله نخست می‌باید به نحوی محصور باشند که بتوان مفهوم درونی را از آن‌ها استنباط نمود. با این مضمون می‌توان تصور از کیفیت پیکره‌ای را به فضا انتقال داده و از پیکره‌های فضایی سخن به میان آورد. در پیکره فضایی عبارت است از شکلی که به سادگی شناخته شده و هویتی ممتاز را از آن خود می‌سازد .

گونه شناسی

شکل مصنوع و شالوده فضایی خیابان‌ها و میادین به همراهی یکدیگر به آن پیکره‌های شهری که تجلی کننده سکونت مجتمع می‌باشند شکل می‌بخشد. هر آبادی اصولاً به خاطر پیکره‌های شخصی خود و همچنین نشانه‌هایش در خاطرها مانده و در اطلس‌های قدیمی شهری نیز شهرهای مهم معمولاً به وسیله ودوتاهایی که میادین اصلی آن‌ها را می‌نمایاند معرفی گردیدند. به عبارتی، شهر از فضاهای شهری به وجود آمده و شناختن این فضاها به معنای آشنایی داشتند با کل مکان می‌باشد. (مداحی،۱۳۹۰)

نتیجه‌گری

۱- برقراری پیوندی پرمعنا بین انسان و محیط
۲- برقراری صمیمیت با مکانی طبیعی
۳- لطمه نزندن به طبیعت وتعاملات اجتماعی زندگی کنندگان در مجموعه های مسکونی
۴- ازبین نرفتن معماری سنتی گذشته

منابع

[۱] کسمایی، مرتضی،۱۳۶۳، **"اقلیم و معماری "**، تهران، بخش تحقیق و بررسی و برنامه ریزی در امور بناهای درمانی، چاپ اول
[۲] شهاب اصغرزاده. **"طراحی مجموعه های مسکونی "** . پایان نامه دوره کارشناسی . ۱۳۸۸
[۳] **سیمای شهر** ، ترجمه منوچهر مزینی،انتشارات دانشگاه تهران،چ چهارم ۱۳۷۴
[۴] **مفهوم سکونت به سوی معماری تمثیلی**/نوشته ی کریستیان نوربریشولتز:ترجمه آزاد محمود یار احمدی {تهران}نشر آگه ۱۳۸۱
[۵]martin haidegger,being and time(۱۹۲۷) new york,۱۹۶۲
[۶] **سبک شناسی معماری** ،استاد محمد کریم پیرنیا انتشارات دانشگاه تهران ، ۱۳۸۴
[۷] **معماری پایدار** ،چاپ دوم، تالیف سید احسان صیادی –سید مهدی مداحی، تهران ،چاپ لوتس،۱۳۹۰پ